

اتحاد و ہم آہنگی

یا

منشأ زیبائیا

* زیبائی و منشأ آن

* وحدت و ہم آہنگی یا مایہ زیبائیا

* يك اجتماع زيبا !

: از هر چه بگذریم سخن از زیبائی و جمال خوشتر است ... آخر زیبائی چیست که اینقدر جالب است؟ چه معنائی است که این اندازه پیچیده است؟ چه حقیقتی است که خردمندان در آن مات و مبهوتند؟
وہ ! چه رمز عجیبی که کوهها را تکان میدهد ،
محکمترین اشخاص را متزلزل میسازد .
بالاخره منشأ این همه جمال و زیبائیا چیست ؟

* زیبائی و منشأ آن

دقت در پدیده‌های جهان آفرینش ، انسان را باین حقیقت میرساند که زیبائی و جمال هر موجودی بسته به تناسب خلقت و حسن تنظیم و هماهنگی میان اجزاء آن میباشد ، يك انسان زیبا و کامل فردی است که تمام اعضاء و اجزاء بدن او در جای خود با وضع مناسب و توأم با یک عقل کامل بوده باشد ، یک اثر هنری و مینیا توری که مظهر حسن و زیبائی محسوب میشود عقل بیننده را واله و چشم او را خیره میکند چیست ؟ جز اینکه نقاش در ترسیم خطوط و رنگ آمیزی و نقش‌های

آن فوق العاده مهارت بخرج داده و روی اصول صحیح فنی ؛ چنین اثری از او بوقوع پیوسته است .

یکه قالی زیبا که کاملاً یک اثر هنری بشمارمی آید زیبایی آن در چه چیز نهفته است ؟ بیشک چند عاملی دست بدست هم داده و وحدت و هماهنگی میان این عوامل باعث زیبایی و جالبی آن میشود و آن عوامل عبارتند از :

الف : اعلائی پشم و رنگ آمیزی آن . اول باید بسراغ بهترین پشمها که مهمترین و اصلی ترین عامل زیبایی است ، رفت . مثلاً از پشم گوسفند و یا کرک گردن و زیر شکم بز که قالیهای ظریف از آنها بافته میشود ، باید تهیه کرد ، و در مرحله دوم نوبت تمیزی و پاکیزگی پشم است که یکک قالیباف وظیفه شناس این امر را بسان یک امر مقدس تلقی کرده و با توجه کامل پشم را در آب صاف و شیرین و سرد میشوید ، و در مرحله سوم رنگ آمیزی است که باید در آن زیاد دقت شود و رنگهای ثابت و جالب بکار برد تا در خشنده گی بیشتری بآن بپسندد .

ب - نقشه و نظم موزون نقشه در حسن و زیبایی یک قالی نفیس ، بسیار مؤثر است و در این خصوص باید از یک نقاش ماهر و زبر دست استفاده کرد و از ذوق هنری او در بوجود آوردن یک قالی صددرد صد باو با ارزش ، استمداد جست .

ج - کیفیت بافت ، که در جالب توجه بودن قالی ذی دخل بوده و در زیبایی آن سهم بسزائی دارد .

کتابخانه مدرسه عالی

* وحدت و هم آهنگی ...

گمان میکنم خواننده عزیز از این چند مثال توجه نمودند که سرو علت زیبایی یک موجود چیست ؟ . چطور میشود یک پدیده ای چنان دارای حسن و زیبایی میشود که انسانها رامفتون خود میسازد . آری علت العمل و سبب اصلی همانا ، هماهنگی و جمع شدن عوامل چندی است که در موجودی دست بدست هم داده و چنین وضعی را بوجود میآورند . اینجا است که اگر بگوئیم تمام جمال و زیباییها از برکت اتحاد و یگانگی بوده و عامل اصلی زیبایی ، هماهنگی است سخنی گزاف نگفته ایم ، و دیگر ثمره و نتیجه سعادت بخش اتحاد و هماهنگی در کلیه شئون زندگی مادی و معنوی ، برای احدی مستور نخواهد ماند .

يك اجتماع زيبا

يكه محيط و اجتماع زيبا و ايده آل، اجتماعي است كه همانند يك قالي نفيس و هنري ابتداء بايد داراي افرازي صالح و تربيت شده ووظيفه شناس بوده باشد، افرازي كه بحقوق همدیگر احترام گذارده و از حدود خود تجاوز نکنند و در معاشرت و برخورد با یکدیگر دستورات اخلاقی را رعایت نموده و از نفاق و دورویی بپرهیزند.

و ثانیاً آن اجتماع باید ارگانیزه شود و دارای برنامه و نظم بوده باشد و هر شخصی در مقام خود حائز شخصیت و موقعیت خود باشد، در اجتماعي كه حتی يك فرد كه بظاهر چندان وجودش در اجتماع مؤثر و ذي دخل تشخیص داده نشده مورد توجه قرار نگیرد و شخصیتش از میان رفته و بی اعتبار گردد این چنین اجتماع فاقد زیبایی است.

کتابخانه مدرسه زیبایی

اجتماعي كه بزرگان مورد احترام نباشند، كوچكها مورد لطف و رحم قرار نگیرند، دانشمندان در آن خوار، و ارزش علم و دانش معلوم نباشد، چنین اجتماعي مانند يك پيكر كریه المنظر و زشت كه اجزاء آن فاقد هر گونه تناسب و تداخل و هماهنگي است، هرگز روی سعادت ندیده و محكوم بقفا و اضمحلال است. اجتماعي كه افراد آن كوچكترین قیدی نداشته و آزادی بی قید و شرطی در آن حکمفرما باشد قطعاً بسان يك پيكر زیبایی كه اجزاء آن از جاهای خود در رفته و با اصطلاح هر يك مستقل و آیزاد شده اند، متلاشی و پراکنده خواهد شد. در اجتماع ايده آل، قانون باید حاکم باشد و در صورت اختلافات ایدئولوژی و عقیده ئی و فکری باید با تبادل نظر و مشورت و همفکری آنها را حل کرد و در صورت حل نشدن، کنار گذاشته و بمشكلات ديگري پرداخت. **وان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله ورسوله** (۱) آری مشکلي كه حل نشد باید کنار گذاشته و بمرجع صلاحیتداری احاله کرد و سر آن به نزاع و تخصصم نپرداخت و به سر و كله همدیگر نزد.

در چنین حالی اگر تمام هدف، مسائل اخلاقی و مشکلات لایذ حل قرار گرفت آن اجتماع منحل شدنی بوده و جلال و عظمت و زیباییش را از دست

خواهد داد . **ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ربكم (۱)**

آری تنها با اتحاد و هماهنگی پایه‌های چنین اجتماع زیبایی پی‌ریزی میشود و با بکار بستن دستورات متین اسلامی محیط آرام و جانبخشی رامیشود بوجود آورد و مدینه فاضله خیالی رادرعالم شهود بمنصبه ظهور درآورد .

قرآن پایه‌گزاری چنین اجتماعی رامرهون اسلام و پیامبر عزیز آن میداند : **واعتصموا بحبل الله جميعا . . . فإلف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخوانا وكنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها (۲)**

آری محیط‌های پیش از اسلام و بطور کلی اجتماعاتی که قلمرو و حکومت صحیح اسلامی نبوده و استعمار زده باشند . همیشه در جنگهای گرم و سرد بسر برده و از نعمت اتحاد و یگانگی محرومند و افراد چنین اجتماعی در پرتگاه سقوط قرار گرفته و در منجلاب بدبختی و شقاوت گرفتار خواهند بود . قرآن علاوه بر اینکه مسلمانان را برای تشکیل اجتماعی که اخوت و صمیمیت و عدالت در آن حکمفرما باشد ، دعوت کرده و آنانرا خوانده است که جملگی زیر پرچم صلح جمع شده و بزندگی آرام و سعادتبخش ادامه دهند یا **ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم كافة (۳)** ، بتمام ملتهای مختلف جهان (مسیحی‌ها و یهودیها و صاحبان سایر ادیان زنده دنیا) نیز اعلام نموده است که برای تشکیل یک اجتماع بزرگ جهانی واحد که افراد آن از مهربانی و صلح و مودت برخوردار شوند ، همکاری و اتحاد نمایند . و در حمایت از میانی اخلاقی و ساختن يك محیط زیبا ، و تربیت انسانهای کامل سعی و کوشش کنند و در پرتو صلح جهانی با همدیگر مسالمت آمیز رفتار کرده و زیست کنند و از بهره آن که جز سعادت و صلاح همگان چیز دیگری نیست ، متمتع گردند .

و روی کلمه توحید که عقیده مشترکشان بوده و همبستگی کامل دارند ، اتحاد و هماهنگی بخرج دهند ، قرآن باندای آسمانیش ، دولتها و ملت‌های قوی دنیا پیغام میفرستد که از استعمار و استثمار ملل ضعیف بپرهیزند و بآنها با چشم حقارت ننگرند

(۱) سوره انفال آیه ۴۸

(۲) سوره آل عمران آیه ۹۹ ببعده (۳) سوره بقره آیه ۲۰۴

زیرا همه انسانند و از نظر آفرینش یکسان .
 و به اجتماعات و ملل کوچک و ضعیف می گوید : در برابر دول بزرگ و
 نیرومند ، خوار و زبون نبوده تملق نکوئید و با پرورد کار عالم در عزت و جلالش
 احدی را شریک قرار ندهید .

**يا اهل الكتاب تعالوا الی کلمة سواة بیننا و بینکم ان لا نعبد الا
 الله و لا نشرك به شیئا و لا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله (۱)**
 بعضی از مردم که سطحی فکر میکنند ، میگویند دنیا بمنزله یک اقیانوس
 بزرگی است که در آن ماهیهای کوه پیکر زندگی می کنند و در این میان ماهی-
 های کوچک و ضعیفی نیز وجود دارند که همیشه مقهور و مغلوب حیوانات بزرگ
 و قوی بوده و طعمه آنها قرار میگیرند .

در اجتماعات بشری نیز ضعیف پایمال است ، دولتهای بزرگ همیشه
 قاهر و غالبند و برد از آن زورمندان میباشد و این زرد و بندها و استعمارها و کشت و
 کشتارهای بیرحمانه و جنگ سیاه و سفید و... همه وهمه طبیعی است .

آری اگر انسان نیز یک موجود درنده و حیوان وحشی و جنگلی بود مطلب
 تمام بوداکن این انسان است که پایه گزار تمدن و موجود ملکوتی بوده و آفریده
 ناشناختهئی میباشد و مقام و ارزش انسان خیلی بالاتر از اینها بوده و مقایسه آن با
 حیوانات وحشی و درنده درست نیست .
 انسان اشرف مخلوقات و گل سرسبد آنان می باشد و در اثر تربیت می خواهد
 مجسمه زیبایی و کانون خصال نیک باشد چنین موجودی را مانند جانداران وحشی
 معرفی کردن زهی بی انصافی است .

(۱) سوره آل عمران آیه ۵۷

باز پرسى می شوند !

امام صادق علیه السلام : فرماید گوش باز پرسى شود از آنچه شنیده ، و چشم از
 آنچه نگاه کرده و دل از آنچه بان دل بستگی پیدا کرده (و آن را دست دانسته) است .
 وان السمع والبصر والفؤاد كل اواثك كان عنده مستورا .

(وسائل الشیعه - کتاب جهاد)